

قسمت سوم پاد شاهان آریایی

شاهنشاهی اشکانیان (پارتیان)
(250 پ . م . تا 226 میلادی)

دوران (476 سال)

همشهری های گرامی! نخست از همه بهترین تمنیات نیک و درود های بی پایان خویش را به تک تک شما عزیزان تقدیم مینمایم . امیدواریم که همه در لباس عافیت شاد و خرم باشید .

خوانندگان عزیز مرام از نوشتن این رساله ، ادای رسالتی در راه بازشناسی هویت ملی و باستانی مردمان بومی این سرزمین از هزاره اول پیش از میلاد تا عصر حاضر ، می باشد .

به باور ما این اقدام روشنگری عاقلانه از هر دستی و به هروسیله ایکه اجرا گردد ، بنفع تأمین صلح و ثبات و همآیشی ملی واقعی درکشور خود ما و منطقه تمام خواهد شد .

به این سلسله باید گفت که ما در هفته های گذشته با ایجاز کامل در دو قسمت اول و دوم این بحث ، تحت نام « پاد شاهان آریایی » موفق به شرح امپراتوری ماد ها و امپراتوری هخامنشی ها شده ایم .

اینک در قسمت سوم بحث حاضرکه مختص به شرح امپراتوری اشکانیان (پارت ها) می باشد ، تلاش مینمائیم ، تا از دراز کردن سخن جلوگیری نموده مسایل موجه ، ضرور و مقبول حوادث را به بیان گیریم .

این یک حقیقت آفتابی است که تمامی مشکلات امروز ما به علت فاصله گرفتن از اصل و هویت ماست . وقتی انسان از این ارزشهای « هویت و اصلیت » خویش تهی شود ، ذهن آن ضربه پذیر شده و آماده پذیرش هر فرهنگ بیگانه ای می شود .

مردمان سرزمین ما برای واپسگیری هویت فرهنگی و معرفتی و تاریخی خویش که اصلیت آنها را می سازد بایست ارادت مندانه و تسلیم ناپذیر مبارزه نمایند . و بار دیگر مانند اسلاف

خویش از شایسته سالاری زبان فارسی و فرهنگی که با این زبان حوزه تمدنی آسیا ابداع و رشد کرده دفاع کنند .

گرچه مردمان آزاده ما از سده های قدیم به این سو در فرآیند تاریخ استقلال خواهی سرزمین خویش از لحاظ روحی شاهد هزاران ایثار و شهادت ، در راه دفاع از « هویت و اصالت » و باور های معرفتی و علمی این خطه در برابر مهاجمان یونانی ، رومی ، عربی و مغلی و گورکانی و انگلیسی ... بوده اند .
اما با تأسف که اخلاف شان در شرایط کنونی در داخل کشوری بنام افغانستان حتا موفق بدفاع از سرنوشت زبان فارسی این نماد هویت هستی همگانی ، و از دست آورد های فرهنگی و تاریخی خویش در برابر اقدامات فرهنگ ستیزی دولت مرکز گرا و تمامیت خواه حامد کرزی و تیم همتبارش نمی باشند .

وبدین اساس هم هست که هرروز با کلند رهبران شؤونیزم حاکم قبیله (و بویژه وزارت های فرهنگ ، معارف ، داخله و برخی از نهاد های وزارت تحصیلات عالی و مسلکی ، اکادمی علوم و وو ...) خشتی از بنای زبان فارسی و فرهنگ ما تخریب میگردد .
واز طریق رسانه های جمعی و تلویزیونهای دولتی و شخصی سیاست کهنه ای :
(مرکه پشتو) امان الله خان و (پشتو تولنه) ظاهر خان و داود خان آشکارا تطبیق و پیش برده می شود .

اگر در کشور ما از طرف فارسی زبانان در برابر چنین اقدامات دولت ، کاری صورت نگیرد در آن صورت حاکمیت دست نشانده و دستیاران تمامیت خواهش با بدبینی و حسادت ایکه در برابر عظمت فرهنگی این سرزمین دارند ، آهسته آهسته موفق به مغز شویی جوانان و بیگانه سازی آنها از اصل شان ، خواهند گردید .

ما باید به ارزش زبان فارسی و فرهنگ باستانی مان به دیده قدر بنگریم . و در این مقطع باید از شرایط محیا شده زمان استفاده بیشتر بریم تا مفاهیم دفاع مقدس از ارزشهای اصالت خودی را به نسل نوین انتقال دهیم . وبدین وسیله آن معرفت هویتی ای را که متجلی عزت و افتخار ماست به باور ها ، احساس و عمل و اراده مردم بومی این سرزمین تبدیل نمائیم .

الان در کشور ما به اصطلاح اوغانستان سیاست خشونت پرور و غیر انسانی حاکمیت قلابی و مصنوع حامد کرزی و تیم مرکزگرای وی از یک سو و طالبان ظلمت (سربازان چشم بسته سرمایه) از سوی دیگر هردو زیر نام به اصطلاح « دموکراسی » و « اسلام » فقط شرارت می آفرینند . زیرا در وجود فضای تشنج و جنگ و خون است که تحقق اهداف شؤونیزم قبیله مؤثر واقع می شود .

اگر اینطور نیست پس چرا مانند دیگر کشور های متمدن جهان در کشور ما آرامش و ثبات مستولی نمی شود .

در حالیکه زیاده از دوسده اخیر رهبران دولت و رهبران اپوزیسیون هردو از یک تبار پشتون اوغان هستند .

سوی آن رهبری قدرت سیاسی ، قدرت اقتصادی و قدرت دفاعی و قضایی یکسره از ابتدا تا انتها ، بصورت مستقیم و غیر مستقیم بمدد نهاد های سیاسی استعمار کهنه و نو در دست این قوم محفوظ نگهداشته شده است .

اگر قول روزنامه ای گاردین منتشره ای 15 جنوری 2010 که : " دولت اسرائیل پشتونها را قبيله ی گمشده ی اسرائیلی میدانند " و به تائید قول روزنامه لوفیگارو که " ظاهرشاه ، در جواب خبرنگار ایتالیائی در بارهٔ نسبش گفته بود که من از قبيلهٔ بنیامین یهودی هستم . " را منحصیث یک واقعیت تاریخی تلقی کنیم . واضح می گردد که علت خشونت پیشگی رهبران این قوم در این نهفته است که اینها محبت ذاتی و احساس پاک اخلاقی صرف به قدرت و مادیت و شهوت دارند ، نه به آب و خاک و مردم این سرزمین .

با آموزش فرآورد های عمل سیاسی حاکمان پشتون افغان در تاریخ تحولات دو سده اخیر میتوان اذعان کرد که شیرازه مادی و معنوی این سرزمین از دستان ستمگستر اینها چقدر عمیق تخریب گردیده و مردم آن عذاب ورنج کشیده است . اگر واقعاً عشق ذاتی میهن پرستانه به مادر وطن در قلب رهبران این قوم وجود می داشت با این همه تنفر تیره ، فرهنگ ، خانه و کاشانه این وطن را هرگز ویران وداغان نه کرده و نمی کردند .

اجازه استمرار چنین یک روند ضد انسانی و ضد فرهنگی درکشور ما گناه بزرگ است . به این مناسبت ما از تمامی نیرو های دگر اندیش و سازندهٔ جامعه نوین بشمول دانش آموختگان و دانشجویان ، استادان دانشگاه و دانشکده ها ، شاگردان مکاتب و کارمندان مراکز آموزش و پرورش واز همهٔ شهروندان صلح خواه کشور آرزو می بریم که در صف همبستگی اجتماعی از زبان فارسی و فرهنگ باستانی این سرزمین دفاع کنند .

و امید داریم که دست اندرکاران فرهنگی و نهاد ها و رسانه های جمعی - جراید و روزنامه های میهن پرست و غیر وابسته به حاکمیت ، به هر قیمتی که می شود جلو تحقق سیاست پشتونسازی کشور را بگیرند .

زیرا صرف همین زبان ما و فرهنگ ما و دست آورد های فرهنگی و تاریخی ما عزت و اصالت ما را تمثیل مینماید . بدون آن ما جسم بی جانی بیش نیستیم . باید در حفظ و نگهداری این ارزشهایی جاویدانه جان خود را فدا کرد . و پیوسته آنرا شناخت و به نسل دگراندیش معرفی نمود .

هدف و انگیزه نوشته هذا ادامه بحثی مبنی بر شناخت و معرفی برخی از یادداشت های تاریخ باستانی سرزمین ماست . گرچه در کشور های : ایران و تاجکستان و ازبکستان (سمرقند و بخارا) هندوستان و روسیه ، روم و یونان ، مصر و عراق ، سوریه و ارمنستان و ترکیه و انگلستان و... راجع به تاریخ باستانی آریایی ها و سایر ملیت های باهم برادر این سرزمین هزاران اثر معتبر و تحقیقی بهتر و بیشتر در مورد نوشته شده و وجود دارد . اما خوانش یاد داشت های این قلم و نحوه بیان آن به نسل جوان کشور ما افغانستان زمینه ساز کارشناسانه به منظور آگاهی و بیداری آنها - خیلی ضروری و مفید خواهد بود .

آغاز سخن

طوریکه در قسمت دوم این رساله گفته شد ، داریوش سوم (336 تا 330 پیش از میلاد) آخرین پادشاه هخامنشی بود . (1) وی در نبرد های :
- گرانیک یا گرانیکوس (بهار 334 پ. م .) (2) ؛
- جنگ ترموپیل (3) ؛
- جنگ مستقیم (ایسوس) (333 پ. م .) (4) ؛
- و جنگ گوگمل (331 پ. م .) (5) میان آریانیان و یونانیان - از اسکندر مقدونی شکست خورد و سرزمین آریانیی بزرگ بعد از 220 سال فرمانروایی شاهان هخامنشی ، بدست مهاجمان یونانی افتاد .
پس از مرگ اسکندر مقدونی (323 پ . م) سرزمین های تسخیر شده او میان سردارانش تقسیم شدند . به این ترتیب آریانا تحت حکومت سلوکیان (6) در آمد . و بیش از شصت و پنج سال (312 - 250 پ . م .) در تحت فرمان آنان باقی ماند .

مگر در این مدت آریایی ها بجهت دفاع از سرزمین و فرهنگ خویش ، آرام نه نشستند و با استفاده از موقعیت سیاسی و اجتماعی ، نفوذ خود را در مسیر جنبش استقلال خواهی گسترش دادند و سرانجام توانستند عاملی برای ابراز وجود و نابودی استیلای سلوکیان در آریانیی بزرگ شوند .

ایجاد جوسیاسی جنبش استقلال خواهی در سرزمین آریانیی بزرگ علیه استیلای سلوکیان (یونانی) بصورت کل و اعلام استقلال ایالت باکتريا (باختر ، بلخ) و تأثیرات عمیق آن بر اوضاع سیاسی و سراسری کشور همه دست بدست هم داده تا اینکه اشک (250 - 248 پ . م .) مؤسس خاندان اشکانی در سال 250 پ . م . ضد آنتیوخوس دوم (261 - 246 پ . م .) پادشاه سلوکی قیام کرد و دولت آریایی مستقلی را تشکیل داد .
بعداً پادشاهان این سلسله بمناسبت احترام او واژه « اشک » را بر نام خود افزودند . مثلاً اشک دوم ، اشک سوم و آخرین پادشاه سلسله اشکانی « اشک بیست و نهم اردوان پنجم (216 - 226 میلادی) است .

" اشکانیان سلسله ایست از پادشاهان آریانا که از خراسان (پارت) از شعبه ای نژاد آریایی ظهور کردند و قریب پانصد سال از 250 - پیش از میلاد . تا 226 میلادی در این سرزمین (آریانا) حکومت نموده اند . " (7) ، و تاکنون دراز مدت ترین امپراتوری در تاریخ چندین هزار ساله آریانیان محسوب می شود .



امپراتوری اشکانی 250 پ. م. تا 226 م. در حدود سال یکم میلادی

ما در این بخش به گونه مثال سواى ذکر اسمای شاهان سلسله اشکانی بپرسی برخی از کارنامه های آنها مبادرت می ورزیم .

پادشاهان اشکانی آریائی عبارت اند از :

- 1 - اشک یکم
- 2 - تیرداد یکم (اشک دوم)
- 3 - اردوان یکم (اشک سوم)
- 4 - فریپت (اشک چهارم)
- 5 - فرهاد یکم (اشک پنجم)
- 6 - مهرداد یکم (اشک ششم)
- 7 - فرهاد دوم (اشک هفتم)
- 8 - اردوان دوم (اشک هشتم)
- 9 - مهرداد دوم (اشک نهم)
- 10 - گودرز یکم
- 11 - اَرُد یکم
- 12 - سیناتروک (اشک دهم)
- 13 - فرهاد سوم (اشک یازدهم)
- 14 - مهرداد سوم (اشک دوازدهم)
- 1 - ارد دوم (اشک سیزدهم)
- 2 - فرهاد چهارم (اشک چهاردهم)
- 3 - تیرداد دوم

- 15 - فرهاد پنجم / ملکه موزا (اشک پانزدهم)
 16 - ارد سوم (اشک شانزدهم)
 17 - وُنن یکم (اشک هفدهم)
 18 - اردوان سوم (اشک هیجدهم)
 - تیرداد سوم
 19 - وردان (اشک نوزدهم)
 20 - گودرز دوم (اشک بیستم)
 21 - وُنن دوم (اشک بیست و یکم)
 22 - بلاش یکم (اشک بیست و دوم)
 23 - پاکور (اشک بیست و سوم)
 - اردوان چهارم
 24 - خسرو (اشک بیست و چهارم)
 - بلاش دوم
 - مهرداد چهارم
 25 - بلاش سوم (اشک بیست و پنجم)
 26 - بلاش چهارم (اشک بیست و ششم)
 27 - بلاش پنجم (اشک بیست و هفتم)
 8 - بلاش ششم (اشک بیست و هشتم)
 29 - اردوان پنجم (8) (اشک بیست و نهم)

اول - پادشاهی « اشک یکم » مؤسس امپراتوری اشکانیان

اَرَشک یا اشک یکم (سلطنت از 250 پ.م . تا 248 پ.م.) نام بنیان‌گذار شاهنشاه آریایی اشکانیان است. (9)
 لوسیوس فلاویوس آریان گزنفون (92 - 175 م .) (10) مورخ یونانی‌نژاد رومی آورده‌است که : " اشک یکم و برادرش تیرداد یکم ، هر دو از تبار اردشیر دوم هخامنشی، شاهنشاه هستند."

اگر چه دولت اشکانی به وسیله اشک اول و برادرش تیرداد پایه گذاری شد ، اما استواری و استحکام واقعی آن به وسیله مهرداد اول و دوم ، بترتیب (ششمین و نهمین اشک) این سلسله انجام پذیرفت .



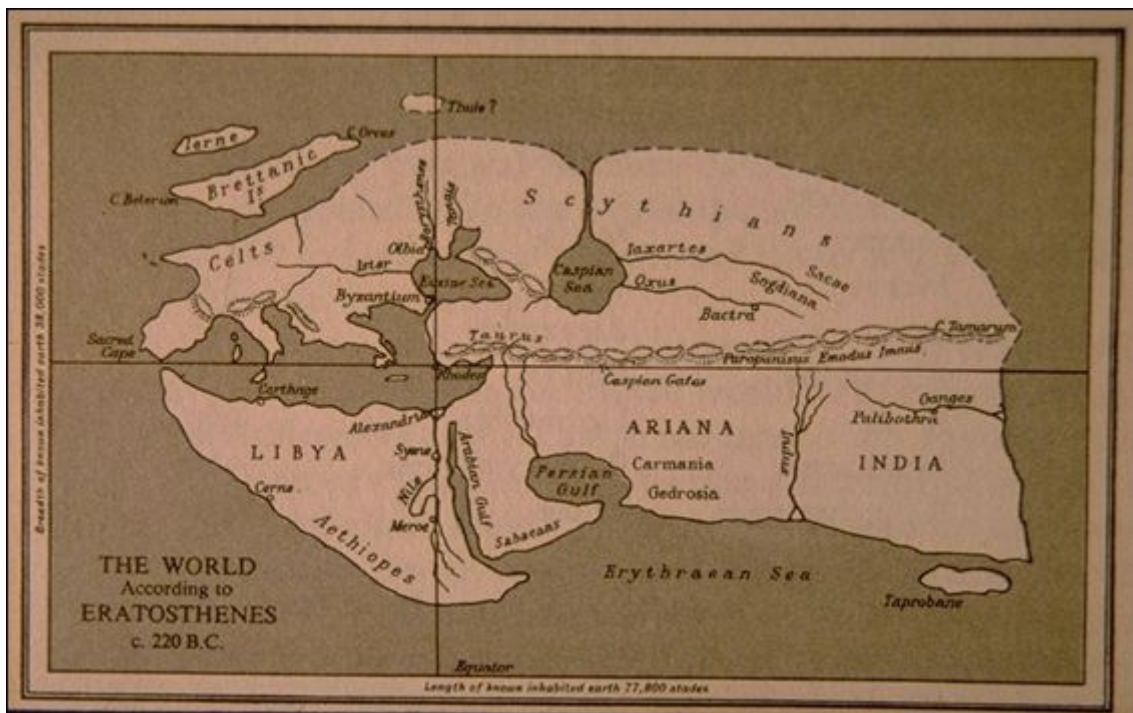
اشک یکم

دوم - پادشاهی تیرداد یکم ، اشک دوم

تیرداد یکم ، دومین شاهنشاه اشکانی آریایی است. او پس از برادرش اشک یکم به تخت نشست و با پادشاه سلوکی : سلوکوس کالی نیکوس (246 - 225 پ . م .) جنگید و او را شکست داد ، از (247 تا 214 پ . م .) سلطنت کرد. (11) وی به استواری و پایداری موقعیت سیاسی و نظامی و اجتماعی دولت نوپای اشکانی پرداخت.

تیرداد از گرفتاریهای زیاد سلوکیان در مغرب استفاده نموده و گرگان را به پارت ضمیمه کرد. سپس با دیودوت پادشاه باختر متحد شده و خود را مانند سلفش (شاهان هخامنشی) ، شاهنشاه خواند.

در زمان سلطنت تیرداد (اشک دوم) شهر صدرروازه پایتخت اشکانیان بود. (12)



نقشه ای که اراتوستنوس در سال 220 پ . م . تهیه کرده است

سوم - پادشاهی اردوان یکم ، اشک سوم



اردوان یکم

اردوان یکم پسر تیرداد یکم ، سومین شاهنشاه اشکانی آریایی است که از (214 - 196 پ . م .) حکومت نمود . (13)

از کارنامه های تاریخی وی معلوم است که او یک مرد میهن پرست با تدبیر و در برابر مهاجمین تسلیم ناپذیر بود.

او از منازعه آنتیوخوس سوم (پسر سلکوس کالی نیکوس) با آخه لائوس و با یکی از ولات او استفاده کرده ، با بهره مندی از لشکر نیرومند و سرداران ماهر خویش ، بماد تاخت و راهی را که از گرگان بکوههای کردستان میرفت در تحت تسلط خویش درآورد. و با این حرکت کلد و بین النهرین قدیم را در تحت تهدید گذاشت . (14)

نبرد آزادی خواهی اردوان شاهنشاه سوم کاشانی علیه آنتیوخوس سوم یونانی مدتی بطول انجامید و آریائیان در این جنبش استقلال خواهی چه در باختر و چه در پارت به مقابل سلوکیان مهاجم سر اطاعت فرود نآوردند و تا پای و جان از سرزمین خویش دفاع نمودند . سرانجام بر اثر این مقاومت آنتیوخوس در حوالی (206 پ . م .) شکست را می پذیرد و استقلال آریائیان بزرگ و همبسته را برسمیت می شناسد .

باید گفت که در این جنگها لشکر آنتیوخوس شهرها را آتش زدند و معبد آناهیتا را در همدان غارت نمودند ، ذخایر و نفایس زیاد از آنجا بر گرفتند . نوشته اند چهار هزار تالان (15) قیمت ذخایر بوده است .

چهارم - پادشاهی مهرداد یکم ، اشک ششم

مهرداد یکم پسر (فریابت) ششمین شاه سلسله اشکانی است . وی پس از برادرش فرهاد یکم بر تخت شاهی نشست و دولت اشکانیان را به منتها درجه قدرت رسانید با دمتریوس دوم پادشاه سلوکی جنگ کرد او را مغلوب و به زندان انداخت . (16)

وی نخستین شاه از اشکانیان بود که خود را شاهنشاه خواند و از 171 تا 138 پیش از میلاد سلطنت کرده است .



مهرداد یکم

او بانی عظمت و اقتدار دولت اشکانی گردید. شهامت و دلیری او سبب شد تا برخی از سرزمین‌ها را از سلوکیان که به واسطه جنگ با رومی‌ها و یهودی‌ها ضعیف شده بودند بگیرد؛ سپس آذربایجان را از امرای محلی که در آنجا استقلال یافته بودند خالی کرد. پس از آن خوزستان و پارس و بابل را تابع ساخت و قدرت دولتی را در قسمت عمده آریانای قدیم توسعه بخشید.

بعد به هند رفته، قطعه‌ای را تا رود جلم به کشور اشکانیها ضمیمه کرد. به این ترتیب امپراتوری اشکانیان آریایی وسعت قابل توجهی پیدا کرد. بطوریکه مملکت او (17) بعد ها رقیب و همسر دولت جهانی روم گردید.

پنجم - پادشاهی مهرداد دوم، اشک نهم

مهرداد دوم یا مهرداد کبیر (اشک نهم) نهمین شاه از دودمان اشکانی آریایی است که (از 124 تا 74 پ.م) سلطنت کرد (18). لقب کبیر را به دلیل مقتدر بودن و نظم و سازمان دادن به امور آریانای بزرگ به او داده‌اند. اوزمانی به شاهی رسید که آریانا از هر سو هدف تهاجم گروه‌ها و طوایف گوناگون شده بود.

مهرداد دوم به پیروی از مهرداد یکم با تعقل و شجاعت تمام مناطق اشغال شده را بار دیگر از چنگال مهاجمان پس گرفت و مرزهای امپراتوری آریانای بزرگ را در شرق تا کوه‌های هیمالیا (19) و در غرب تا همسایگی امپراتوری روم رساند. وی در این نبرد ها نخست بابل را از تازیان پس گرفت و سپس به ارمنستان لشکر کشید. در سال 113 پ.م سراسر بین‌النهرین را به دست آورد و مرو و فرارود را نیز تصرف کرد. (20) آنگاه رو به شرق نهاد با نبردی سهمگین سکاها را شکست داد، پارت و هرات را آزاد کرد و دولت سکایی سیستان را وابسته به دولت اشکانی آریایی ساخت.

نخستین رابطه دولت روم با آریانا در زمان مهرداد دوم ایجاد شد، و سفیری از جانب شاهنشاه اشکانی برای بستن پیمان نزد "سولا" که از جانب دولت روم به آسیای صغیر آمده بود فرستاده شد.

مهرداد دوم با تحمل و دوراندیشی اوضاع سیاسی و اجتماعی و امنیتی آریانا را نظم و ترتیب داده تحت کنترل خویش درآورد و زیرساخت‌های اقتصاد قوی را اساس گذاشت. در روزگار او بود که راه تجارت آریانا به چین که در تاریخ به "راه ابریشم" معروف است گشوده شد. که بعد آن تبادل امتعه و مال تجارتي میان چین، هند، عربستان و برخی سرزمین‌های دیگر موجب شکوفایی اقتصاد کشور و منطقه گردید.

ششم - پادشاهی ارد دوم ، اشک سیزدهم

اُرد دوم (اشک سیزدهم) سیزدهمین شاه از خاندان اشکانی است. وی از سال 55 تا 37 پیش از میلاد سلطنت کرد. به عقیده بسیاری از مورخان در زمان او شاهنشاهی اشکانی به اوج عظمت خود رسید. بسیاری از معاصران آن زمان آریانا را بسیار مقتدرتر از روم می‌دانستند. (21) در زمان شاهی ارد دوم سرزمین‌های بسیاری به قلمرو اشکانیان اضافه شد ولی به دلیل ضعف سازمانی ارتش نتوانستند مناطق فتح شده را حفظ کنند. مهمترین پیش‌آمد در زمان شاهی ارد دوم جنگ‌های متعدد با رومیان و به خصوص نبرد حران (carrhae) (22) است.

اُرد دوم همچنین پایتخت آریانا را از شهر صدرروازه به تیسفون (23) که در برابر سلوکیه ساخته شده بود منتقل کرد و تیسفون تا زمان حمله اعراب پایتخت آریانایی بزرگ بود.

هفتم - پادشاهی بلاش یکم ، اشک بیست و دوم



بلاش یکم

بلاش یکم (اشک بیست و دوم) از خاندان اشکانی آریایی است. او در سال 51 میلادی پس از مرگ پدرش و نون دوم بر تخت شاهی نشست و تا سال 78 میلادی سلطنت کرد. (24) در هنگام پادشاهی بلاش یکم آریانا گرفتار مصیبت‌های گسترده دیگری از جمله شیوع طاعون و وبا و قحطی ناشی از خشکسالی می‌گردد.

مگر در تاریخ از او به عنوان آخرین شاه بزرگ اشکانی یاد می‌کنند. زیرا پس از وی دولت اشکانی به ضعف گرایش پیدا می‌کند و در انتها به دست ساسانیان قوم دیگری از نژاد آریایی می‌افتد.

بلاش یکم ارمنستان را که در دوران شاهی اردوان سوم (اشک هیجدهم) به خاطر نبردهای داخلی بر سر قدرت میان اشکانیان به رومیان واگذار شده بود به زور نبرد واپس گرفت و دوره جنگ‌های آریانا و روم را با پیروزی آریانا پایان رسانید. وقوای امپراتوری روم مجبور به عقب نشینی شد. (25)

بلاش یکم به آیین و روش‌های آریایی بسیار علاقه‌مند بود. در احیای فرهنگ و آیینهای آریائیان تلاش بسیاری کرد و بازمانده گرایش‌های یونانی را در آریائیان بزرگ از میان برداشت.

بنا به روایات زرتشتی در زمان بلاش یکم متون کهن اوستایی از نو گردآوری شد و نام یونانی شده شهرها نیز دوباره نام آریایی خود را بازیافت.

هشتم - پادشاهی اردوان پنجم ، اشک بیست و نهم

پس از مرگ بلاش پنجم میان دو پسر او به نام‌های بلاش ششم و اردوان پنجم برای رسیدن به شاهی نزاع درگرفت. در ابتدا بلاش به شاهی رسید ولی بعد « اردوان » علیه او قیام کرد و توانست نفوذ خود را بر سراسر آریانا افزایش دهد و زمام امور کشور را بدست گرفت .

اردوان پنجم (اشک بیست و نهم) آخرین شاه آریانا از خاندان اشکانی است که از سال 216 تا 226 میلادی در آریانا پادشاهی کرد. (26)

در سال‌های آخر شاهی اشکانیان به سبب زدو خورد‌های داخلی و جنگ‌های پیاپی با رومیان و وجود کشمکش‌های داخلی قدرت نظام رهبری این خاندان بسیار سست شده و شیرازه کارها از هم گسیخته بود.

آریائیان از آشفتگی و ناتوانی کشور و نظام ناخرسند بودند و آرزو می کردند که باز مانند دوران هخامنشی کشوری آراسته و نیرومند داشته باشند.

به این سبب اردشیر بابکان بر شاهنشاه اشکانی شورید همه او را از جان و دل به شاهنشاهی پذیرفتند. اردشیر بابکان پس از آنکه استان‌های فارس و کرمان و جزایر خلیج فارس را به فرمانروائی خود افزود و با اردوان پنجم شاهنشاه اشکانی جنگ کرد. اردوان در این جنگ شکست خورد و خاندان شاهنشاهی اشکانیان پس از 476 سال برافتاد.

اردشیر بابکان از آن پس به شاهی نشست و خاندان شاهنشاهی ساسانی آریایی را بنیاد کرد که بیش از چهار قرن دیگر بر آریائیان بزرگ فرمانروا بودند.

اردوان پنجم (261 - 226 میلادی) بیست نهمین شاه اشکانی در زمان حکومت اش پیوسته با سپاهیان رومی نیز در نزاع و مجادله بود و چند بار در نبرد ها بر امپراتوری روم پیروز گردید . بگونه مثال ما گوشه از این نبردها را بازگو می کنیم :

" ... نیرنگ و خیانت دیگری نیز از جانب رومیان در آخر دوره اشکانی انجام گرفت ، و آن این بود که «کاراکالا» قیصر روم خواست « اردوان پنجم » آخرین شاه این خاندان را بکشد و کشور آریانا را زیر فرمان بیاورد.

برای رسیدن به این هدف نامبارک نامه ای به اردوان پنجم نوشت و دختر او را خواستگاری کرد. اردوان پاسخ داد که باید خود قیصر بیاید و عروس را ببرد. به نوشته هرودیان - تاریخ نگار رومی « قیصر » اعلام کرد که به آریانا می آید تا به شکل رسمی با شاهزاده آریایی عروسی کند .

« کاراکالا » با سپاهیان خود به نزدیکی مرز آریانا آمد و جشنی برای عروسی برپا کرد و چون اردوان پنجم با سرداران و درباریان خود به آن مجلس رفت قیصر ناگهان با سربازان خود بر ایشان تاخت. خود اردوان شاه آریانا توانست از صحنه نجات یابد. اما بسیاری از سرداران آریایی کشته شدند.

اردوان چون جان بدر برد لشکریان بسیار گرد آورد و به جنگ رومیان شتافت. اما در همین وقت کاراکالای در نزدیکی « منطقه حران » کشته شده بود. اردوان با جانشین او پیکار کرد و رومیان سخت شکست یافتند و خواهش آستی کردند، و پذیرفتند که از مرزهای آریانای بزرگ دور شوند و مبلغ هنگفتی غرامت بپردازند. ...

هرودیان مورخ رومی جای دیگر می نویسد: این چهارمین بار بود که رومی ها به تصرف و غارت و ویرانی شهرها و روستاهای « بین نهرین » و کشتار مردم آن، در درازای 100 سال دست زده بودند. " (27)

در زمان اشکانیان آریانای بزرگ به چندین "ولایت"، تقسیم شده بود. هرولایت شاهی داشت که اغلب از خاندان کهن شاهی آن ولایت بود. اشکانیان چون کشور را فتح می کردند گاهی همان پادشاهش را به فرمانروائی می گماشتند تا دست نشانده شاهنشاه باشد و باج یعنی مالیات ولایت را هر سال به خزانه مرکزی بفرستند. گاهی هم کس دیگر را از جانب خود به شاهی آن ولایت معین می کردند.

برخی از ویژگی های اجتماعی و سیاسی نظام اشکانیان آریایی

در دولت اشکانی، شاهنشاه بالاترین مقام کشور را داشت و می بایست از نژاد آریایی اشک اول باشد. این مقام ارثی بود یعنی از پدر به فرزند می رسید.

نظام سیاسی اشکانی دو مجلس (شورا) داشتند:

اول - مجلس (شورای) خانواده شاهی که همه مردان خاندان اشکانی چون به سن بلوغ می رسیدند در این مجلس شرکت می کردند.

دوم - مجلس (شورای) بزرگان که از مردان کار آزموده کشور و پیشوایان دینی فراهم میشد این دو مجلس را رویهم "مغستان" می گفتند. (28)

چون شاهی در می گذشت در این مجلس جانشین او را از میان فرزندان یا افراد دیگر خاندان برمی گزیدند. آنگاه سپهسالار کشور که از « خانواده سورنا » (29) بود تاج شاهی را بر سر او می گذاشت.

دین: - اشکانی ها به آئین کهن آریایی باستان می زیستند و پرستش خدایان باستان آریایی، مانند "میترا" یا مهر و اناهیت یا ناهید، نیز میان ایشان معمول بود. در میانه های دوره اشکانی دین زرتشت در همه آریانا رواج یافت و به این سبب بعضی از شاهان آن خاندان به این آئین علاقه بسیار نشان دادند.

بلاش که یکی از شاهان بزرگ اشکانی بود فرمان داد تا کتاب "اوستا" را که پراکنده شده بود فراهم بیاورند. اما اشکانیان هم مانند هخامنشیان مردمان را در دین و آئین خود آزاد می

گذاشتند. به این سبب در دوره ایشان در بعضی شهرهای یونانی نشین آریانا ، دین یونانی رواج داشت و سپس که دین عیسوی رونق یافت بعضی از شهرهای مغرب که اکنون در کشور عراق است مرکز پیشوایان دین مسیح شد.

زبان : - به ادامه فارسی باستان دوره ای هخامنشیان ، فارسی میانه یکی از زبان های آریایی است که در دوره اشکانی ها و ساسانی ها در آریانا رایج بود . این زبان از راست به چپ نوشته می شد . که اکنون بنام فارسی نو یاد می شود .

ورزش :- به جوانان پارتی (اشکانی) پیش از همه چیز سوار کاری و تیراندازی می آموختند. پارتی ها در این فنون چنان استاد و ورزیده بودند که در جهان آن روز نمونه و مثل شمرده می شدند. در زد و خورد های پیاپی که میان اشکانیان با سلوکیان و رومیان روی می داد همیشه چابکی و استادی سوارکاران پارتی بود که موجب پیروزی آریائیان می شد.

تفریح و سرگرمی : - شکار نیز یکی از کارهای مهمی بود که جوانان می بایست بیاموزند. جامه مردان پارتی قبائی بلند و گشاد بود با شلواری فراخ ، نوار پهنی بجای کلاه دور سر می بستند تا هنگام تاخت و تاز ، موی سرشان پریشان نشود . زلف و گیسو را بلند می گذاشتند و موی ریش را حلقه حلقه می کردند. گاهی نیز ریش را می تراشیدند.

سلاح ایشان کمان های محکم بود با شمشیری که حمایل می کردند. همه مردان خنجر را راست و پهن به کمر می بستند. سواران جنگی نیزه ای نیز در دست داشتند.

منابع و مأخذ :

1 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 500 - 501 رجوع شود به لغت نامه دهخدا تحت نام داریوش سوم .

2 - نخستین نبرد اسکندر و آریائیان در بهار (334 پ. م .) در کنار رود گرانیک یا گرانیکوس درحوالی آسیای صغیر بوقوع پیوست . جنگ گرانیکوس بسبب کشته شدن بسیاری از سرداران بزرگ آریایی به سود اسکندر پایان پذیرفت. اسکندر سپس شهر سارد پایتخت لیدی را نیز گرفت و بر بخش بزرگی از آسیای صغیر دست یافت.

3 - جنگ ترموپیل (thermopylae) به عقیده تمامی کارشناسان و مورخان بی طرف ، نمایشی بود از عظیم ترین جنگی که در دوران باستان ، بین دو ابر قدرت آن زمان یعنی هخامنشیان آریایی و یونانیان رخ داد که طبقات این جنگ به قدری وسیع و همه گیر بود که اثرات آن تا به امروز در فرهنگ و زندگی هر دو سرزمین نمایان شده است.

4 - داریوش و اسکندر در نزدیکی شهر ایسوس ((333 پ.م.)) با یکدیگر رو به رو شدند . ایسوس در کنار خلیج اسکندرون قرار داشت و دشتی که در همسایگی این شهر قرار گرفته بود محل نبرد دو حریف شد .

در این جنگ داریوش سوم شکست خورد و اردوی وی بغارت رفت و مادر ، زن ، پسر و دختر داریوش نیز بدست اسکندر گرفتار شدند.

این پیشامد داریوش را بر آن داشت تا از اسکندر درخواست صلح کند. ولی اسکندر بدین کار تن در نداد . مردم « شهر صیدا » مقدم اسکندر را پذیرا شده و پیروزی را به رسمیت شناختند. ولی شهر صور پایداری ورزید و بسیاری از سپاهیان اسکندر را بر خاک افکند . سرانجام اسکندر پس از هفت ماه نبرد آن شهر را بتصرف در آورد و به قتل عام مردم آن پرداخت.

5 - نبرد گوگمل (331 پ.م.) دومین نبرد مستقیم اسکندر است که در گوگمل احتمالاً واقع در نزدیکی موصل امروزی ، با سپاه داریوش سوم روبه رو گردید. داریوش از گوگمل بسوی همدان رفت. اسکندر نیز بجانب آریاتار رهسپار شده و شهرهای بابل و شوش را بسبب خیانت حکمرانان آنها بی هیچ رنجی گرفت خزاین و نغایس بسیاری به چنگ آورد و عازم پارس و تخت جمشید شد.

6 - پس از جنگ‌های « دیدوکی » که به مرگ اسکندر مقدونی منجر شد، کشورهای آریانا ، بین‌النهرین، شمال سوریه و بخش اعظم آسیای صغیر به زیر سلطه سلوکوس یکی از ژنرال‌های سابق اسکندر رفت و وی سیاست اتحاد یونانی‌ها و آریایی‌ها را دنبال نمود. سلوکوس یکم ، پس از اعلام پادشاهی خود در آسیا، به نیرومندترین پادشاه مقدونی در امپراتوری پیشین اسکندر تبدیل شد.

7 - " بروایت هرودت پارت ها (پارتکنان) یکی از طوایف ششگانه مادی می باشد. " تاریخ ایران باستان، ج 1 ص 175 و رجوع شود به بند 101 تاریخ هرودت .

8 - رجوع شود به منابع :

تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ا. آ. گرانفوسکی - م. آ. داندامایو، مترجم ، کیخسرو کشاورزی، ناشر: مروارید 1385 .

- تاریخ ایران از عهد باستان تا قرن 18 ، پیگولوسکایا : ترجمه کریم کشاورز، تهران ، 1353 .

- تاریخ اشکانیان - میخائیل میخائیلوویچ دیاکونوف، ترجمه کریم کشاورز، تهران ، پیام ، 1378 .

- تاریخ اجتماعی ایران . مرتضی راوندی ، ج 1 . 1354 .

- تاریخ ایران باستان ، دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ. روحی ارباب. انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم 1380 .

- شاهنشاهی اشکانی ، ولسکی ، یوزف ، چاپ اول ، ترجمه مرتضی ثاقب فر ، تهران : ققنوس ، 1383 .

9 - تاریخ ایران ، سرپرسی سایکس ، ترجمه : محمد تقی فخرداعی گیلانی ، جلد اول ، نوبت چاپ : پنجم ، تهران ، سال 1370 ، ص 413 - 414 .

10 - فیلسوف و مورخ یونانی بود. او نویسنده کتاب آناباسیس اسکندر (لشکرکشی اسکندر) است که مهمترین کتاب در مورد اسکندر به‌شمار می‌رود. او کتاب دیگری نیز بنام ایندیکا در زمینه بازگشت نیارخوس از هند، پس از تسخیر هند به دست اسکندر، دارد.

11 - رجوع شود به : فرهنگ فارسی دهخدا (بخش تیرداد) .

- فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 406 .

- تاریخ ایران باستان ، دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ. روحی ارباب. انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم 1380 .

12 - صدروازه یا هکاتومپیلوس (Hecatompylos) یک شهر باستانی در باختر خراسان که از 200 پیش از میلاد پایتخت اشکانیان بود. خود هکاتومپیلوس در زبان یونانی به معنای صد دروازه می‌باشد. این لقب در نزد یونانیان به شهرهایی داده می‌شد که بیش از چهار دروازه را دارا بودند. مکان این شهر باستانی امروزه میان دامغان و سمنان و در سر راه تهران - مشهد قرار دارد و شهر قومس خوانده می‌شود.

13 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 119 .

14- ایران باستان ، میرزا حسن پیرنیا، تهران: دنیای کتاب ، چاپ نهم ، 1378. ج 3 ، ص 2209 و 2213.

15 - تالان در قدیم واحدی برای پول طلا و نقره بوده. یک تالان در تعریف کلی معادل جرم آب در حجم یک آمفورا (کوزه‌ای ته باریک در یونان باستان) بوده که تقریباً برابر با یک پای مکعب است. در یونان باستان یک تالان حدوداً 24 کیلو بوده. تالان طلایه برابر تالان نقره بوده است.

- رجوع شود به تالان در «ایران باستان» ، میرزا حسن پیرنیا، تهران:دنیای کتاب، چاپ نهم، ، 1378. ج 1 ، ص 166 و 210 ، 669 ؛ همان کتاب : ج 2 ص 1498 .

16 - مهردادیکم (اشک ششم) دیمتریوس را نکشت و حتا دختر خود رودگونه را نیز به همسری او داد و از این پیوند فرزندی نیز پدیدآمد. با این همه دیمتریوس کوشید تا بگریزد. یکبار با یاری دوستش کالیماندر که با نام مستعار خود را بدو رسانده بود کوشید تا از کرانه‌های دریای مازندران بگریزد، ولی ناکام ماندند. مهرداد نیز به جای مجازات کالیماندر از برای وفاداریش به دیمتریوس بدو پاداش داد. بار دومی که دیمتریوس کوشید بگریزد نیز گرفتار شد و این بار مهرداد با دادن تاس‌های زرین بدو - که به منزله اسباب بازی کودکان بود- او را خوارداشت.

17 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 6 ، ص 2058 .

18 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 6 ، ص 2058 .

19 - رشته‌کوه هیمالیا (هندی و نیپالی: **हिमालय**)، مرتفع‌ترین کوه‌های زمین یا بطور عامیانه بام دنیا هستند. هیمالیا که در طول شمال هند به وسعت 2480 کیلومتر (1550 مایل) کشیده شده است ، یک دیوار بزرگ کوهستانی است . این رشته‌کوه، خط جداکننده شبه‌قاره هند از « فلات تبت » چین است. نام هیمالیا از واژه سانسکریت himālaya (هیمالیا) گرفته شده که به معنی «برفستان» است. بلندترین قله جهان، اورست با ارتفاع 8848 متر در این رشته کوه قرار دارد.

20 - رجوع شود به :

- « تاریخ ایران باستان - آریاها و مادها » ، خدادادیان، اردشیر، انتشارات دیه ، 1379

- « تاریخ ایران باستان - سلوکیان » ، خدادادیان، اردشیر، انتشارات دیه ، 1379

- تاریخ ایران باستان، خدادادیان، اردشیر، اشکانیان، مجموعه پنجم، نشر به دید و قلم آشنا، تهران، 1380

21- رجوع شود به : صفحه ([/fa.wikipedia.org/wiki/](http://fa.wikipedia.org/wiki/))

22 - نبرد حران : نخستین نبرد تمام عیار آریانا و روم در زمان سلطنت ارد دوم به وقوع پیوست. در بهار سال 54 پ.م کراسوس (crassus) فرماندار رومی بخش شرقی روم ، سپاه خود را برای حمله به آریانا آراست و با چهل‌هزار سرباز راهی آریانا شد. « آرتاوازد » شاه ارمنستان در ملاقاتی با کراسوس ، به او وعده داد که شانزده‌هزار نیروی سواره در اختیار او قرار خواهد داد. او به کراسوس اطمینان داد که با این سواره نظام و پیاده نظام همراه او رومیان از نظر کمی و کیفی برتر از سپاه آریانا هستند و آریانیان را به آسانی شکست خواهند داد. کراسوس با سپاه بزرگ و ورزیده خود راهی بین‌النهرین شد. در این گیر و دار ارد دوم با پیاده نظام خود با شتاب فراوان وارد ارمنستان شد و مبادرت به آن کرد تا از رسیدن سواره نظام ارمنی به کراسوس جلوگیری کند. سپس « سورنا » سردار دلاور و رشید خود را با ده‌هزار سوار به نبرد با کراسوس فرستاد.

کراسوس چون خیردار شد که سپاه اشکانی در مشرق فرات است تصمیم به تعقیب آریانیان گرفت و در بیابان‌های شمال بین‌النهرین. به دنبال دشمن وهمی و فراری با شتاب به سوی مشرق تاخت آورد و به حران رسید.

پس از زد و خوردی کوچک ناگهان نگهبانان فریاد برآوردند که اشکانیان آنها را در محاصره گرفته‌اند. شاهان محلی آسیایی که به اجبار و بیم در کنار رومیان بودند با شنیدن این خبر با سواران خود گریختند. سواران اشکانی (پارتی) وارد میدان کارزار شدند. نخست سواران سنگین اسلحه اشکانی بر رومیان سبک اسلحه تاختند و آنان را به عقب راندند.

سپس سواران سبک اسلحه کماندار رومیان را به تیرباران گرفتند. تیرهای رومیان بر آنان کارگر نبود زیرا کمان‌های اشکانی برد بیشتری نسبت به کمان‌های رومی داشتند و اشکانیان نیز در تیراندازی سرآمد بودند. رومیان تلفات زیادی دادند و پس از اینکه پسر کراسوس به دست اشکانیان کشته شد عقب نشینی کردند.

رومیان در حال عقب نشینی چون با جغرافیای منطقه آشنا نبودند پیاپی مورد حمله اشکانیان واقع می‌شدند. سرانجام سورنا به رومیان پیشنهاد مذاکره کرد. کراسوس عازم ملاقات شد. در این میان رومیان دچار اختلاف شدند و در این گیر و دار پیکاری در گفت و کراسوس به دست آریانیان کشته شد.

از دید هویت شناسی نبرد حران در تاریخ باستان اهمیت زیادی دارد. زیرا رومیان که خود را برتر از آریانیان و فاتح می‌دانستند با این شکست خوار شده و آریانیان بزرگ و بلندآوازه گشتند.

23 - تیسفون که عرب‌ها آن را مدائن نامیدند نام یکی از پایتخت‌های باستانی آریانا است که در کشور عراق امروزی واقع شده‌است.

تیسفون مجموعه‌ای از چند شهر، اسبانبور، سلوکیه و بغداد بود که در ساحل رود دجله ساخته شده بودند. این شهر در دوران اشکانیان آریایی به عنوان پایتخت غربی آریانا در منطقه میان‌رودان بنا نهاده شد، و در دوران امپراتوری ساسانی اهمیت خود را به عنوان مرکز قدرت سیاسی و اقتصادی حفظ کرد. پس از غصب آریانا بوسیله اعراب، شهر تیسفون به تاراج رفت و رفته‌رفته متروکه گشت.

از گودرز دوم شاه اشکانی تا اردوان پنجم شاه ساسانی آریانیان در تیسفون حدود ششصد سال حکومت کردند. رجوع شود به : - تاریخ ایران باستان، خدادادیان، اردشیر، اشکانیان، مجموعه پنجم، نشر به دید و قلم آشنا، تهران، 1380

24 - فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، چاپ یازدهم 1376، جلد 5، ص 274.

25 - تاریخ ایران باستان، خدادادیان، اردشیر، اشکانیان، مجموعه پنجم، نشر به دید و قلم آشنا، تهران، 1380

- همچنان : فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، چاپ یازدهم 1376، جلد 5، ص 274.

26 - فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، چاپ یازدهم 1376، جلد 5، ص 119.

27 - تاریخ هرودیان، کتاب 3، بند 1 و 27.

28 - ایران باستان، ج 3، ص 2234، 2648 و 2649.

29 - "سورن" نام خانواده ای است که در دوره اشکانیان دارای قدرت بسیار بودند. یکی از اعضای این خانواده سورنا بود. او سردار بزرگ پارتی و معاصر اشک سیزدهم بود که کراسوس، سردار رومی را مغلوب کرد. و این سورنا بود که سیزدهمین شاه اشکانی را بر تخت پادشاهی سرزمین های آریانا نشاند.

30 - برای مطالعه و تحقیق بیشتر:

- ایگور میخائیلوویچ دیاکونوف، اشکانیان. ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، 1378.

- Bivar, A. D. H. "The Political History of Iran Under the Arsacids" in Ehsan (ed.) Cambridge History of Iran, Vol. III, Part I. CUP, 1983

- Boyce, Mary. "The Parthian gosan professional singer and the Iranian (Minstrel Tradition)", Journal of the Royal Asiatic Society, 1957

- Diakonoff, I. M. & Livshits, V. A. Parthian Economic Documents from Nisa. In MacKenzie, D. N. (ed.), Corpus inscriptionum Iranicarum, Pt 2. Inscriptions of the Seleucid and Parthian periods and of Eastern Iran and Central Asia. v. 2. (Parthian, London, 1976

- Raditsa, L. "Iranians in Asia Minor", in Ehsan Yarshater (ed.) Cambridge (History of Iran, Vol. III, Part I. CUP, 1983

با عرض حرمت
بصیر کامجو